

راهنمای توپچی فریکار

یا

هنر تیز دادن

برای هدایت بیوست‌مندان
نوشتۀ کنت ترومیت
طیب برس هورس

سالوادور دالی

ترجمۀ دکتر محمدرضا اصلانی

فرهنگ نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران - ۱۳۹۶

راهنمای توپچی فریبکار یا هنر تیز دادن

ترجمه

از

محمد رضا اصلانی
**The Art of Farting or The Sly Artilleryman's
Manual by Count Trumpet Doctor of the
Brass Horse for the Guidance of
Constipated Persons
an appendix to Diary of a Genius by
Salvador Dali
Hutchinson & Co Ltd, 1966**

فرهنگ نشر نو
تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم (شهید
جنتی)، پلاک ۱۳ - تلفن: ۸۸۷۴۰۹۹۱

نوبت چاپ
شمارگان
ویرایش
لیتوگرافی
چاپ و صحافی
طراح جلد
ناظر چاپ

چاپ اول، ۱۳۹۶
۱۱۰۰
هیأت دبیران نشر نو
باختر
سبیدار
محمد جهانی مقدم
بهمن سراج

همه حقوق محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک

فهرست نویسی
عنوان اصلی
موضوع

شناسه افزوده

رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

مرکز بخش
تلفن و دورنگار
بها:

دالی، سالوادور، ۱۹۰۴-۱۹۸۹م.
راهنمای توپچی فریبکار...، سالوادور دالی.
تهران، فرهنگ نشر نو، آسیم، ۱۳۹۶.
۹۶ ص.
978-600-8547-01-3
بر اساس اطلاعات فیبا
Diary of Genius
تفخ.

الف. اصلانی، محمد رضا، ۱۳۲۲ - مترجم.
ب. دالی، سالوادور، ج. نفخ؛ Flatulence.

۱۳۹۵ د ۲ ۷ ن / RCA۸۶۲

۶۱۲/۳

۴۴۶۷۳۴۵

آسیم

۸۸۷۴۰۹۹۲-۴

۱۰۰،۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

مقدمه نُه

سراغاز ۱

فصل اول ۴

در تعریف کلی تیز

فصل دوم ۱۰

در تمایز انواع تیز، به‌ویژه تمایز تیز و آروغ،
و نمایش کامل تعریف تیز

فصل سوم ۱۴

انواع تیز

فصل چهارم ۲۳

توضیح فیزیکی تیزهای دوگانه بر اساس شامهٔ خوب.
تجزیه و تحلیل آن

۲۷ فصل پنجم

اندوهان و شوربختی‌های حاصل از تیز دوگانه.
داستان تیزی که موجب فرار شیطان شد و او
را به جنون کشاند. خانه‌هایی که به وسیله
تیزهای دوگانه از شیاطین خالی شد.
چند دلیل و اصل بدیهی

۳۲ فصل ششم

تیز کم‌بانگ یا کوچک

۳۶ فصل هفتم

پرسشی موسیقایی. یک جفت خوانی بی‌همتا.
وسیله هوشمندانه‌ای که ناشنویان را به
شنیدن کنسرت قادر می‌سازد

۴۲ فصل هشتم

تیزهای بی‌صدا که به غلط خزنده خاموش نامیده
می‌شوند.
تشخیص و پیش‌بینی

۴۵ فصل نهم

تیزها و خزندگان حساب شده و تصادفی

۴۷ فصل دهم

برخی تأثیرات تیز و خزندگان خاموش.
سودمندی ویژه آنها

۵۳ فصل یازدهم

تیز برای جامعه سودمند است

۶۱ فصل دوازدهم

شیوه‌های کتمان کردن تیز که سودمند به حال کسانی
است که بر تعصب خود اصرار می‌ورزند.

۶۶ فصل سیزدهم

نشانه‌های تیز قریب الوقوع

۶۸ فصل چهاردهم

شیوه‌ها و روش‌های برانگیختن تیز. مسأله.

ماده‌ای شیمیایی.

عرق تیز به عنوان داروی کک و مک. نتیجه.

سر آغاز

خواننده گرامی، شرم آور است که با وجود یک عمر تجربه در تیزیدن هنوز نمی دانی چگونه تیز بدهی. عموماً چنین می پندارند که تیزها فقط در اندازه متفاوت اند و اساس همه آنها یکسان است. و این خود خطایی ست عظیم. موضوعی که با نهایت دقت ممکن تحلیل شده است و اکنون به تو عرضه می دارم، تاکنون مورد غفلت بسیار واقع شده است. — نه از آن رو که بی ارزش پنداشته می شده است، بلکه بدان سبب که گمان می داشتند که درخور رویکرد روش مند و کشفیات تازه نیست. و این خطا بود.

تیزیدن هنر است و به گفته لوسین^۱ و هرموگنس^۲ و

۱. Lucian؛ یا لوکیانوس (متوفی پس از ۱۸۰ میلادی) هجانویس یونانی و از درخشانترین نویسندگان احیاء ادبیات یونانی در امپراتوری روم. — م.
۲. Hermogenes؛ اندیشمند یونانی قرن چهارم و پنجم پیش از میلاد و دوست نزدیک سقراط. در رساله کراتیلوس او یکی از طرفهای گفت و گو است. حتی عدهای او را از معلمان افلاطون دانسته اند. — م.

کوئینتیلیان^۱ و امثالهم در زندگی چیزی ارزشمند محسوب می‌شود. و همانا که آگاهی بر نحوه تیزیدن به شیوه صحیح و در زمان مناسب، مهم‌تر از آن است که مردمان می‌پندارند.

تیزی که بیهوده می‌کوشد رها گردد،
و خشمگینانه بازمی‌گردد تا تهی‌گاه را بشکافد
بسا که موجب مرگ شود.
زیرا حیات فرد بیوست‌مندی فانی که در آستانه ورود به ظلمت
است،
با تیزی که بجا رها گردد، ای بسا که نجات یابد.

علی‌هذا، چنان‌که در این کتاب نشان خواهم داد، می‌توان با نهایت سلیقه و درایت تیز داد.

پس تردید روا نمی‌دارم در این‌که عموم را آگاه سازم بر تحقیقاتی که به‌عمل آورده و کشفیاتی که به منصفه ظهور رسانده‌ام، درباره هنری که حتی در جامع‌ترین فرهنگ‌های لغت هم مطلب دندان‌گیری در تعریف آن یافت نمی‌شود. به‌واقع، اگرچند شگفت می‌نماید، در این فرهنگ‌ها حتی اصطلاحات مرتبط با این هنر نیز

۱. Quintilian؛ مارکوس فابیوس کوئینتیلیانوس سخنور رومی حدود سال ۳۵ تا ۱۰۰ پس از میلاد که در مکتب‌های بلاغت قرون وسطی و نوشته‌های دوره رنسانس از او بسیار یاد شده است. - م.

یافت نمی‌شود. ولی من به تفصیل اصول این هنر را در اختیار خوانندگانی خواهم گذاشت که مشتاق به دانستن آنها هستند.

فصل اول

در تعریف کلی تیز

تیز که در زبان یونانی آن را Pordé و در زبان لاتین Crepitus، ventris، و در زبان ساکسون اولیه Partin یا Furtin؛ در زبان آلمانی علیا Fartzen و در زبان فرانسه pet [و به عربی ضربه و حَبَقَه - م.] گویند، مرکب از بادی است که گاه با صدا و گاه با قَرَّاقِرِی خفیف و بی آن که فرد قادر به مهار آن باشد برون می‌جهد. و اما هستند نویسندگانی کوتاه‌بین و چندان سبکسر که در نهایت حماقت و تکبر و لجاجت — و علی‌رغم لغتنامه کالپینو^۱ و تمام لغتنامه‌های دیگری که تألیف شده یا خواهند شد — بر این اصرار می‌ورزند که تیز چنانچه به درستی درک گردد (یعنی در معنی واقعی کلمه) تنها باید به آن چیزی گفته شود که با صدا برون

۱. Calepin؛ آمبروجو کالپینو (۱۵۱۰ - ۱۴۴۰)؛ فرهنگ‌نویس ایتالیایی و مؤلف فرهنگ زبان لاتین. - م.

جهد؛ و بنای استدلال خود را بر این بیت از شعر هوراس^۱ می‌نهند که از تیز معنایی به‌غایت ناقص ارائه می‌دهد:

Nam displosa sonat quantum vesica pepedi

(با چنان صدای گوش‌خراشی تیزیدم که گویی انبانه‌ای ترکید).

ولی کیست که نتواند دید در این بیت، هوراس واژه *pedere*، به معنی تیزیدن، را در معنای عام آن استعمال کرده است؟ کیست که نتواند دید او از برای آن‌که نشان دهد واژه *pedere* به صدایی رسا اشاره دارد، ناگزیر بوده است زحمت این تقریر را بر خود هموار سازد که در این بیت مراد او آن تیزی است که با صدایی گوش‌آزار برون آید؟

سنت - اورموند^۲، آن فیلسوف خوش‌مشرّب درباره تیز استنباطی بس متفاوت از عوام داشت. به‌گفته او تیزیدن همانا آه کشیدن است؛ و روزی هنگامی که در حضور معشوقه‌اش تیزید خطاب به او چنین سرود:

۱. Horace؛ کوینتوس هوراتیوس فلاکوس (۸-۶۵ قبل از میلاد)؛ شاعر غنائی

پر آوازه روم باستان. - م.

۲. Saint-Évremond؛ شارل دو مارگیتل دو سن دُنی دو سنت - اورموند (۱۶۱۴ -

۱۷۰۳) نویسنده و منتقد فرانسوی که جلای وطن کرد و تا پایان عمر در

لندن اقامت گزید. - م.

دلِ غرقه در غم و اندوهم
 چندان مالامال از آه و افسوس بود
 که به دیدن روی دژم تو
 یکی از آن آها
 که پروای آن داشت کز دهانم برون شود
 از مسیری دگر ره خروج گرفت

پس، به طور کلی تیز مشتمل است بر باد محبوس در قولون^۱ که به گفتهٔ اطباء ناشی از سرریز شدن شیرۀ نیم‌گرم معدی است که گرمایی ملایم آن را رقیق کرده باعث شده است بی‌آن‌که انحلال پذیرد، جاری گردد؛ و یا به گفتهٔ روستاییان و عوام‌الناس، تیز نتیجهٔ عمل بعضی مواد یا غذاهای نفاخ و بادانگیز است. همچنین تیز را می‌توان هوای متراکمی تعریف کرد که در جست‌وجوی مَفَرِّ از بخش‌های داخلی بدن بگذرد و سرانجام چون راه خروجی بیابد — که ادب مرا از بیان نامش منع می‌کند — برون بجهد. اما در اینجا قصد هیچ‌گونه پرده‌پوشی نداریم؛ فلذا می‌گوییم که این موجود، همراه با انفجار یا بدون همراهی آن، از طریق

۱. بخش انتهایی رودهٔ بزرگ. - م.

تیزدان^۱ ساطع می‌شود. گاه طبیعت آن را به سهولت بیرون می‌راند و گاه باید هنر را به یاری طبیعت طلبید تا آنچه مایهٔ مسرت خاطر و غالباً حتی مایهٔ وجد است، به سهولت قدم در عرصهٔ وجود نهد. همین است که زمینه‌ساز این ضرب‌المثل شده است که:
 چو خواهد که در دهر پاید، سلامت زید
 هتک را بیاید گذارد که باد در دهد

اما اجازه دهید به تعریف خود بازگردیم و ثابت کنیم که این تعریف با معتبرترین قوانین فلسفه مطابقت دارد زیرا جنس و خواص و خصوصیات ممیّزهٔ آن را در برمی‌گیرد.^۲
 ۱. این تعریف مشتمل است بر تمام خاستگاه‌ها و انواع تیز که یکایک بدان‌ها خواهیم پرداخت.

۲. از آنجا که تیز به‌عنوان «جنس» منحصر به فرد است، هیچ تردیدی در آن نیست که در خاستگاه دور از بروز خود نیز منحصر به فرد است — و مراد از خاستگاه آن چیزی است که مولّد باد است و عمدتاً همانا شیرۀ معدی و غذایی است که صورت محلول به خود نگرفته است. اجازه دهید قبل از آن‌که در انواع گوناگون تیز کند و کاو کنیم، همین را به تفصیل بررسییم.

۱. تیزدان: مقعد - لغتنامهٔ دهخدا، ۱ - م.

2. quia nempe constat genere, materia et differentia